

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۳ دی ۱۳۹۷  
مصادف با: ۱۶ ربیع الثانی ۱۴۴۰  
جلسه: ۲۴

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره  
موضوع جزئی: آیه ۲۷ - بخش سوم: و یفسدون فی الأرض

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

**خلاصه جلسه گذشته**

عرض کردیم آیه بیست و هفتم مشتمل بر ۴ بخش است. دو بخش از این چهار بخش مورد رسیدگی قرار گرفت بخش اول این بود «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ» که به تفصیل در مورد موضوع عهد الهی و مراتب و مراحل و آثار عهد و نقض عهد الهی سخن گفتیم؛ بخش دوم «و یقطعون ما أمر الله به أن یوصل» بود.

این دو در واقع صفات فاسقین اند، چون در آیه ۲۶ بحث فاسقین مطرح شد، بنابراین در آیه ۲۷ به بیان صفات سه گانه فاسقین پرداخت و نتیجه فسق آنها را که خسران است بیان کرد و عرض کردیم که «أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» ضمن اینکه نتیجه فسق را بیان می کند، مؤید اضلال جزایی هم هست و اینکه خداوند متعال ابتدائاً کسی را گمراه نمی کند و همیشه گمراه کردن جزا و کفر اعمال خود انسان است.

ما درباره دو بخش اول که دو وصف از اوصاف فاسقان را بیان کرده بحث کردیم.

**بخش سوم: «یفسدون فی الأرض»**

بخش سوم این است «و یفسدُون فی الأرض»<sup>۱</sup> که مبین ویژگی و صفت سوم فاسقان است. از ویژگی های فاسقان افساد فی الأرض است. ما قبلاً هم گفتیم که تأکید این آیه و آیه قبل که حول فسق و اثر وضعی فسق بحث می کند، روی فسق اعتقادی است، گرچه می توان بعضی از این آثار و مطالبی که گفته شده را شامل فسق عملی هم دانست ولی اینجا بیشتر به فسق اعتقادی نظر دارد چون فسق اعتقادی ریشه و بنیان فسق عملی و مهم تر از فسق عملی است. در ادامه خواهیم گفت که قرآن از فسق اعتقادی بعنوان فساد کبیر یاد کرده است. به هر حال موضوع بحث چون فسق اعتقادی است، فاسقان به مفسدان فی الأرض توصیف شدند.

**معنای فساد فی الأرض**

مسئله فساد در قرآن و به ویژه فساد فی الأرض به دفعات مطرح شده است، یعنی در برخی از آیات به بعضی از مصادیق فساد فی الأرض اشاره شده است. این یکی از دستورات صریح قرآن است که خداوند متعال نهی کرده از فساد در زمین

۱. سوره بقره آیه ۲۷.

چون خداوند می‌فرماید که ما زمین را اصلاح کردیم؛ اصلاح زمین به آوردن دین، ارسال رسل، انزال کتب و شاید حجت‌های باطنی باشد که در انسان قرار داده شده است یعنی عقل و فطرت، اینها همه سبب اصلاح زمین‌اند.

بعد نهی می‌کند از اینکه شما زمین را بعد از اصلاح آن فاسد نکنید. پس معلوم می‌شود که فساد در مقابل صلاح به چه معناست. وقتی اصلاح ارض به دین و ما یَتَعَلَقُ بِالذِّينِ است یعنی هر آنچه که به حوزه اخلاق و عمل انسان مربوط می‌شود، پس فساد زمین هم به از بین بردن و تخریب این بنیاد و بنیان است.

اگر دین سبب اصلاح باشد، یعنی اعتقاد به توحید، اعتقاد به مبدأ، اعتقاد به معاد، اعتقاد به نبوت، ایمان به کتب آسمانی، فضائل اخلاقی و اعمال انسان باعث اصلاح است. چون دین مشتمل بر سه بخش است، اخلاق، عقیده و عمل. اگر دین مشتمل بر سه بخش است و دین سبب صلاح زمین است، پس فساد در زمین به تخریب اخلاق و عقیده و عمل است. یعنی از حیث اعتقاد کسی معتقد به توحید، مبدأ، معاد، نبوت، نباشد و این مهمترین و بالاترین مرتبه فساد است. بعلاوه وجودش مملو از رذیلت‌های اخلاقی باشد و نیز عملش طالح باشد. دین چون مشتمل بر این سه بخش است، پس صلاح دین به سلامت این سه قسمت است و فساد ارض هم به فساد این سه حوزه است.

این یک توضیح کلی در مورد فساد فی الأرض بود که بالاخره گاهی این فساد جامع و تام است و گاهی ناقص است؛ همانطور که صلاح هم اینطور است، صلاح کلی ارض زمانی است که حضرت ولی عصر(عج) ظهور کنند و دین را به نحو کامل حاکم کنند و مردم ملتزم و عامل به فرامین و احکام دینی باشند و عقایدشان سالم شود.

### فساد در قرآن

اما در قرآن مصادیقی برای فساد ذکر کرده است، اینکه در آیاتی ملاحظه می‌فرمایید که مصادیقی برای فساد ذکر کرده به این معنا نیست که فساد لزوماً مساوی با آن مصداق باشد. مفهوم فساد فی الأرض همان بود که عرض شد ولی طبیعی است که برای هر مفهوم کلی مصادیق فراوانی یافت شود. در قرآن کریم بعضاً به این مصادیق اشاره شده و لذا نباید گمان شود که بین این آیات ناهماهنگی و ناسازگاری است. چون در جایی شرک را بعنوان فساد معرفی کرده، در جایی دیگر اخلاق بد را بعنوان فساد معرفی کرده، با توجه به نکته‌ای که عرض کردم در حقیقت رابطه این‌ها مانند: رابطه کلی و جزئی، و رابطه کلی و مصادیق است. مفهوم کلی فساد فی الأرض با استفاده از همین آیه معلوم شد و آنچه که در این آیات ذکر شده همگی مصداق است. مثلاً در آیه‌ای از کفر بعنوان فساد کبیر یاد شده است.<sup>۱</sup>

۱. سوره انفال آیه ۷۳.

در آیه‌ای دیگر کم فروشی را مصداق کفر دانسته است: «وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»<sup>۱</sup>.

اینها همه بیان مصادیق است ولی آنچه مهم است این است که بزرگترین فسادها در قرآن فسق در ناحیه اعتقاد است؛ لذا آیه که می‌فرماید «وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ» یعنی فاسقان کسانی هستند که در زمین فساد می‌کنند، در واقع بیشتر به فسق اعتقادی آنها نظر دارد و منظور از فاسقان اینجا کسانی هستند که از حیث اعتقاد کافراند و یا مشرک‌اند و کسی که کافر و مشرک باشد، قهراً همه گناهان او ناشی از همین کفر و شرک است.

### فساد غیر کافران

گاهی متعلق افساد، «فی الأرض» است، گاهی در یک دامنه محدودتری است و باید توجه کرد که اگر کسی مثلاً یک عقیده باطل داشته باشد، یا یک ردیلت اخلاقی در او باشد، یا اهل عمل صالح نباشد و به احکام ملتزم و پایبند نباشد، این را توصیف به افساد فی الأرض نمی‌کنند؛ از فساد فی الأرض به دست می‌آید که این یک بذر و ماده فساد است که نه تنها خودش آلوده و ناپاک است، بلکه باعث ناپاکی و آلودگی دیگران هم می‌شود. تعبیر افساد فی الأرض در مورد چنین افرادی بکار می‌رود. اگر یک مسلمانی از حیث عقیده یا اخلاق و عمل مشکل داشته باشد، او را متصف به فساد فی الأرض نمی‌کنند چون در مورد همه انسان‌ها گناه ممکن است و این بدیهی است که به هر دلیلی گناه از انسان سرزند و از نظر عملی و اخلاقی دچار مشکل شود و ردائلی مانند حسادت، کینه، انتقام، میل به دنیا و غیره در او وجود دارند. یا مثلاً از حیث عقیده ممکن است آن عقیده صحیح و درستی که باید نسبت به پروردگار و اولیاء داشته باشند را ندارند. با توجه به توانایی محدود انسان‌ها و امکان لغزش آنها در هر سه حوزه، ما نمی‌توانیم بگوییم که همه انسان‌ها افساد فی الأرض می‌کنند؛ قطعاً این آیه ناظر به اشکالات متعارفی که انسان‌ها در این سه حوزه دارند نیست. افساد فی الأرض مخصوص کسانی است که عقیده، شخصیت و رفتارشان بر فساد است و این مسلماً در مورد کسانی است که این صفت در آنها تبدیل به ملکه شده است.

انسان‌های معمولی یا مسلمانان معمولی که ممکن است اهل گناه باشند که زیاد هم گناه می‌کنند، اینها تا زمانی که بطور کلی پیوندشان را با دین قطع نکردند، هنوز در وجود آنها نور فطرت خاموش نشده است. ممکن است که نور فطرت در انسان‌ها کم و ضعیف شود ولی به هر حال آن کور سوی روشنایی در باطن شخصیت بسیاری از انسان‌ها وجود دارد.

<sup>۱</sup> .سوره شعراء آیه ۱۸۲ و ۱۸۳.

همین کور سوی نور در نهاد شخصیتی انسان می‌تواند راه برای صلاح خودش و دیگران را باز کند، اما کسی که در او عقیده باطل، رذیلت‌ها و نیز اعمال طالحه ملکه شده است، چنین کسی مصداق افساد فی الأرض است.

#### **استمرار نقض عهد و قطع « مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ اِفْسَادٌ فِي الْأَرْضِ »**

نکته مهم در این رابطه این است که این رفتار و عقیده و عمل فاسقان استمرار دارد و در این آیه هم بخاطر همین فعل مضارع بکار رفته است و می‌گوید ینقضون، یقطعون، یفسدون.

وقتی می‌گویند یفسدون، یعنی این فسادشان که شامل فساد عقیده، فساد خلق و عمل است استمرار دارد. مثل یک چشمه‌ای هستند که از آنها ناپاکی می‌جوشد و اطراف خود را آلوده می‌کند. طبیعتاً هم خودش آلوده است و هم اطراف خودش را در حد وسع خود و مقدار جوشش خود آلوده می‌کند. پس باید دقیقاً قلمرو افساد معلوم شود.

پس معنای بخش سوم آیه اجمالاً روشن شد که فاسقان کسانی هستند که اساساً صلاح ارض در مورد آنها جایگاهی ندارد، اصلاً عمل به عهد الهی و اتیان به ما امرالله به آن یوصل و نیز صلاح به این معنایی که گفتیم در مورد آنها قابل تصور نیست.

#### **بحث جلسه آینده**

بخش چهارم «أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» است که این یک توضیح دارد و یک روایت در ذیل این آیه است که تمام اجزای این آیه را توضیح داده که آن را هم انشاءالله عرض خواهیم کرد و بعد وارد آیه ۲۸ می‌شویم.

«والحمد لله رب العالمين»